



ایرج ایرن

روایتی دیگر درباره جشن نوروز*

در حدود یک هفته به نوروز ۱۳۷۳ مانده بود که اتفاق جالبی برایم رخ داد. در محلی که کار می‌کنم نه کسی می‌داند ایرانی هستم و نه هرگز با کسی درباره «نوروز» سخنی گفته‌ام. در آن روز متوجه شدم یکی از افرادی که تازه به استخدام کمپانی ما درآمده است و تصور می‌کردم هندی‌ست برای گرفتن مرخصی در روز سه‌شنبه ۲۱ مارچ ۱۹۹۵ پافشاری می‌کند. حرفش این بود که در آن روز که New Year آنهاست باید تعطیل باشد. و چون از استخدام او یک ماهی بیش نمی‌گذشت، البته گرفتن مرخصی کار ساده‌ای نبود. از او پرسیدم بر اساس چه تقویمی، ۲۱ مارچ New Year شماست؟ گفت: نمی‌دانم. پرسیدم به زبان خود، New Year را به چه نامی می‌خوانید؟ گفت: نوروز. با تعجب پرسیدم این نام را از که شنیده‌ای؟ گفت: از پدرم. پرسیدم پدرت از که شنیده است؟ گفت از پدر بزرگم که از هندوستان به افریقای جنوبی آمده است. در این جا روشن شد که همکارم تبعه افریقای جنوبی‌ست و هندی‌تبار. من به پرسشهای خود

* نویسنده مقاله در اواخر اسفند ۱۳۷۳، تلفنی به بنده اطلاع داد که از یکی از همکارانم که ایرانی نیست درباره نوروز و مراسم آن مطالبی شنیده‌ام که به‌نظرم بسیار عجیب می‌آید. وی از آنچه از همکار خود شنیده بود مختصری با من سخن گفت. به‌نظرم آمد که موضوع جالب توجه‌ست و در خود پیگیری. پس، از وی خواهش کردم موضوع را دنبال کند. او هر بار که اطلاعاتی درباره این موضوع به‌دست می‌آورد، در اختیارم قرار می‌داد. سرانجام از وی تقاضا کردم آن را بنویسد تا در ایران‌شناسی چاپ کنیم.

فتم

و

یادا

ینی

سادم

رگاه

: آن

نجام

یدا

داده

ملی

نمات

یکی،

و تا

کاوو

ازهر

رده، و

دیج و

عقاید

ذخار

معقول

ایسته،

کشور

ادامه دادم. گفتم: معنی «نوروز» چیست؟ گفت: معنی آن را نمی‌دانم. تنها می‌دانم که در این روز حضرت محمد با عایشه [دختر ابوبکر خلیفه اول از خلفای راشدین] ازدواج کرده است. چند روزی به ارتباط نوروز و ازدواج پیامبر اسلام و عایشه فکر کردم، ولی عقلم به جایی نرسیده. روزی از او پرسیدم: آیا نوروز را همه ساله جشن می‌گیرید؟ پاسخ داد: البته، هر سال، نوروز به مسجد می‌رویم و هفت‌گونه خوردنی را با سکه به فرزندان خود می‌دهیم (ناگفته نگذارم که وی در گفتگوی خود با من هرگز کلمه «عید» را برای نوروز به کار نبرد). «هفت میوه خشک» و «سکه» توجهم را بیشتر جلب کرد. پس از وی پرسیدم مقصودت از «سکه» چیست؟ گفت ما به ۵ سستی و ده سستی و ۲۵ سستی «سکه» می‌گوییم. از او پرسیدم آیا ممکن است در نوروز به مسجد شما بیایم. گفت گمان نمی‌کنم، ولی می‌پرسم. روز بعد گفت: خیر، نمی‌توانی بیایی. پس از دو سه روز متوجه شدم که کار به این سادگی نیست و بیگانگان را به این مراسم راه نمی‌دهند. با وجود این دست از تلاش برنداشتم و تا حد «خواهش» نیز پیش رفتم. بالاخره به من گفت با هزار زحمت اجازه گرفته‌ام که فقط در مراسم هدیه دادن به بچه‌ها و جوانان شرکت کنی، نه بیشتر. خوشحال شدم. ولی در ضمن افزود که بدان در آن مراسم هیچ نوع نوشیدنی‌ای به تو تعارف نخواهند کرد. گفتم مهم نیست، چون قبلاً از سخنان او متوجه شده بودم که تا به ابوبکر ایمان نیاورم مجاز نخواهم بود در آن‌جا چیزی بنوشم. پس، نوروز به خانه او رفتم و از آن‌جا با هم به مسجد رفتیم. او در آن‌جا مرا به «آخوند» خودشان معرفی کرد. او کلاه قرمزی بر سر داشت و جامه‌ای هندی بر تن. نخستین جمله‌ای که به من گفت این بود که: «امیدوارم به ابوبکر ایمان بیاورید.» نگاهی به صحن مسجد — که سالن بزرگی بود — انداختم. بر دیوار، تصویر مردی بود که به احتمال زیاد تصویر ابوبکر بود، شبیه تصاویری که شیعیان از پیامبر و امامان خود می‌کشند. در وسط مسجد میز بزرگی بود که روی آن آینه و شمعدان و قرآن قرار داشت با پنجاه شصت جعبه کوچک که در آنها هفت‌گونه خوردنی بود و روی آنها نوشته شده بود: «نوروز مبارک».

پیش از آن که مراسم آغاز گردد، فرصتی دست داد که با احتیاط چند کلمه‌ای با «آخوند» آنان سخن بگویم. به او گفتم ما نیز نوروز را در ایران جشن می‌گیریم ولی سابقه آن را نمی‌دانیم. ممکن است شما لطفاً تاریخچه نوروز را برای من بگویید؟ گفت: بله، در چنین روزی بود که حضرت پیامبر با عایشه ازدواج کرد و این امر در پرزیا (حرف «ژ») را بسیار غلیظ تلفظ کرد) اتفاق افتاده است. به او گفتم: دوستم نیز به من

گفته بود که نوروز از پرشیا می آید، ولی هرچه نقشه جغرافیا را نگاه کردم، چنین سرزمینی را در آن نیافتم. گفت پرژیا محلی بوده است بین مکه و مدینه که امروزه از میان رفته است. این عبارت را که شنیدم متوجه شدم حرف زدن با این آقا چیزی جز اتلاف وقت نیست. در همین موقع هم بود که حدود شصت هفتاد تن خرد و کلان در مسجد حاضر شده بودند. پس همه دور آن میز قرار گرفتند و آخوند «نوروز مبارک» گفت. بعد آیاتی از قرآن مجید قرائت کرد و در مدح عایشه سخنانی گفت نظیر آنچه آخوندهای شیعی درباره فاطمه زهرا و زینب می گویند. بعد بچه ها یک یک به نزد وی رفتند و هر کدام یکی از آن جعبه های کوچک محتوی هفت گونه خوردنی را از دست او گرفتند و «نوروز مبارک» و «نوروز سلامت» گفتند. این مراسم که به پایان رسید همگی روی صندلی نشستند و شیرینی و شربت و چای و قهوه آوردند. به من فقط شیرینی تعارف کردند. این مراسم سه ربع ساعت طول کشید. بعد شنیدم که می گویند وقت نماز است. بر طبق اطلاع قبلی متوجه شدم که باید آن محل را ترک کنم. در این هنگام نیز آخوند همان جمله ای را که در آغاز دیدار به من گفته بود بار دیگر تکرار کرد که «امیدوارم به ابوبکر ایمان بیاورید.»

NAVROZ MUBARAK SIGNIFICANCE OF ROZI

Wheat: Strength and Abundant food

Sweets: Happiness, Love, and Affection

Dry Fruits: Long Life

Raisins: Good Health

Nuts: Intelligence

Mint: Curing Disease

Cloves: Pleasure of Life

آنچه روی جعبه های هفت گونه خوردنی چاپ شده است

روز بعد دوستم از این که در نوروز شربت و چای و قهوه به من تعارف نکرده اند از من عذرخواهی کرد. از طرف دیگر بعدها در ضمن چند بار گفتگو با او متوجه شدم که آنان در شبانه روز فقط دو بار نماز می خوانند آن هم در تاریکی: صبح زود و شب. نماز را نشسته می خوانند و دست نماز (وضو) هم نمی گیرند. وقتی خواستم اطلاعات بیشتری در

م
ر
ج
ب
خ
ن
ی
از
نی
ت
روز
با
من
نان
میچ
، او
شم:
ند
تین
اهی
که
خود
شت
شده
ی با
م ولی
گفت:
پرژیا
به من

این زمینه از او بگنیم متوجه شدم که به این کار رغبتی ندارد. پس موضوع را تعقیب نکردم.

ذیلی بر «روایتی دیگر درباره جشن نوروز»

درباره نوروز در دوران اسلامی مطالب بسیار نوشته شده است. مؤمنان قشری اعم از سنی و شیعی به‌طور کلی با برگزاری نوروز و دیگر آیینهای پیش از اسلام ایرانیان مخالف بوده‌اند و هستند، چنان که حجة الاسلام محمد غزالی طوسی (درگذشت ۵۰۵ هـ.ق.) از جمله ایرانیانی است که بر تعطیل این گونه مراسم فتوا داده و حتی خرید و فروش کالاهای مربوط به این جشنها را نیز حرام دانسته. او در کتاب کیمیای سعادت در زیر عنوان «منکرات بازارها» نوشته است:

... و صورت حیوانات فروشد برای کودکان در عید، و شمشیر و سپر چوبین فروشد برای نوروز، و بوق سفالین برای سده... و از این چیزها بعضی حرام است و بعضی مکروه. اما صورت حیوان حرام است. اما آنچه برای سده و نوروز فروشد چون سپر و شمشیر چوبین و بوق سفالین، این، در نفس خود حرام نیست، ولیکن اظهار شعار گبران حرام است و مخالف شرع است و هرچه برای آن کنند نباید؛ بلکه افراط کردن در آراستن بازارها به سبب نوروز و قطایف بسیار کردن و تکلفهای نو افزودن برای نوروز نباید؛ بلکه نوروز و سده باید که مندرس شود و کسی نام آن نبرد...!

وی در احیاء العلوم الدین نیز در زیر عنوان «منکرات بازارها» نوشته است:

... و از آن جمله بیع ملاحی است و بیع اشکال حیوانات مصور در روزهای عید برای کودکان که شکستن آن و منع از فروختن آن واجب آید.^۱

موضوع مهم آن است که ایرانیان در مدت چهارده قرن گذشته، پیوسته کوشیده‌اند مراسمی از نوع نوروز را به هر قیمتی که هست برپا بدارند. آنان از جمله برای برگزاری نوروز به هر کاری دست زده‌اند چنان که همسن و سالهای نونسنده این سطور خوب به‌خاطر دارند که پیش از انقلاب اسلامی، مراسم نوروز، حتی در کاخ پادشاه به این صورت برگزار می‌گردید که در کنار هفت‌سین و آینه و شمعدان و... که بر روی میز چیده شده بود یک جلد قرآن مجید نیز قرار داشت و قابی که در آن تصویر امام اول شیعیان بود. از طرف دیگر مرحوم راشد نیز هر سال، به‌هنگام تحویل سال دعای نوروز را در رادیو و تلویزیون به عربی می‌خواند که: یا مقلب القلوب و الابصار، یا مدبر اللیل و

النهار، یا محول الحول و الاحوال، حَوَّلَ حالنا الی احسن الاحوال.

به نظر نگارنده این سطور، مراسم نوروز گروهی از مسلمانان هندی تبار افریقای جنوبی را که خواندید ظاهراً مراسمی ست ساخته و پرداخته ایرانیان سنی مذهب قرون پیش که از ایران به هند رفته اند و برای حفظ آیین نوروز، آن را - در ایران یا در هند - با مسأله ازدواج پیامبر اسلام و عایشه پیوند داده اند. مسأله مهم، برای آنان - به مانند دیگر ایرانیان - برگزاری نوروز بوده است نه چیز دیگر. همان طوری که ایرانیان شیعی مذهب نیز برای آن که جلو دهان مخالفان مراسم نوروزی را بگیرند، حتی به جعل حدیث و خبر از قول بزرگان دین نیز دست زده اند تا بتوانند در دوران اسلامی، مراسم «گبرکی» را به آزادی بر پای بدارند. به این روایت توجه بفرمایید:

چنین روایت کند معلى بن خنيس که در روز نوروز نزد منبع حقایق و دقایق، امام جعفر صادق علیه السلام رفتم. فرمود آیا می دانی امروز چه روز است؟ گفتم: فدای تو شوم. روزی ست که عجمان [= ایرانیان] تعظیم آن می نمایند و هدیه به یکدیگر می فرستند. فرمود به خانه کعبه سوگند باعث آن تعظیم، امری قدیم است. بیان کنم آن را برای تو تا بفهمی. گفتم ای سید من! دانستن این را دوست تر دارم از آن که دوستان مرده من زنده شوند و دشمنان من بمیرند. پس فرمود ای معلى! نوروز، روزی ست که خدای تعالی عهدنامه ای از ارواح بندگان خود گرفته که او را بندگی نمایند [....] روزی ست که جبرائیل علیه السلام بر حضرت رسالت صلی الله علیه و آله نازل شد به وحی [....] روزی ست که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله امر فرمود یاران خود را که با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت امارت نمایند [....] روزی ست که بار دوم اهل اسلام با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کردند [....] و روزی ست که قائم آل محمد یعنی حضرت صاحب الامر ظاهر می شود. آن حضرت بر دجال ظفر می یابد و آن ملعون را در کناسه، که محله ای ست در کوفه از گلو می کشد. و هیچ نوروزی نیست که ما توقع خلاصی از غم نداشته باشیم زیرا که این به ما و شیعیان نسبت دارد. عجمان آن را حفظ کرده اند و شما ضایع کرده اید...^۲

ملاحظه می فرمایید که ایرانیان شیعی مذهب نیز برای آن که بتوانند مراسم نوروز را برگزار کنند ناچار گردیده اند از قول امام جعفر صادق از جمله اعلام کنند که چون در نوروز پیامبر اسلام امام اول شیعیان را به جانشینی خود برگزید و چون در نوروز امام غایب

ظاهر خواهد شد و... بزرگداشت نوروز از نظر مذهبی نیز امری لازم است. و به همین سبب بوده است که شاعران فارسی‌زبان شیعی از جمله هاتف و قآنی نیز در وصف نوروز به اعلام جانشینی امام اول از سوی پیامبر در نوروز تصریح کرده‌اند:

هاتف:

همایون روز نوروز است امروز و به‌فیروزی . بر اورنگ خلافت کرده‌شاه لافتی ماوی^۱

قآنی:

رسد به گوش دل این مزدهام ز هاتف غیب که گشت شیرخداوند شهریار امروز^۲

ج ۲۰

یادداشتها:

- ۱- محمد غزالی، کیمیای سعادت، (رکن دوم، اصل نهم، امر معروف و نهی منکر)، به کوشش حسین خدیوچم، تهران ۱۳۶۱، ج ۱/ ۵۲۲.
- ۲- محمد غزالی، احیاء العلوم الدین (نیمة دوم از ربیع عادات)، ترجمه نویدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیوچم، تهران ۱۳۵۹، ص ۹۸۴-۹۸۵.
- ۳- «محمد بن شاه مرتضی، معروف به محسن فیض (۱۰۹۱-۱۰۰۷ قمری) در رساله‌ای به فارسی در وصف نوروز و سی روز ماه.» «این رساله بدون نام از مجموعه‌ای است خطی مرکب از پنج رساله ملا محسن فیض متعلق به آقای مشکوة» استاد محترم دانشگاه، به نقل از: دکتر محمد معین، «جشن نوروز»، مجموعه مقالات، تهران، ص ۱۵۷-۱۷۹.
- ۴- رجوع شود به زیرنویس شماره ۳، ص ۱۷۹.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی